

آينه ايران

سرمقاله: «دانشگاه؛ عقل نقاد جامعه»

هادی خانیکي

سختان رییس جمهوری در نشست روسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری، نقطه آغازی در گفت‌وگوی انتقادی میان دولت و جامعه دانشگاهی کشور به شمار می‌آید. ایفای نقش دانشگاهیان چه در وجه علمی و چه در وجه اجتماعی و چه در وجه سیاسی، مستلزم پذیرش جایگاه دانشگاه در جامعه به‌عنوان «عقل نقاد» است. دانشگاه در چنین رویکردی برج عاج علم نیست، میدان فرمانبرداری از سیاست نیز نیست، نهادی است آزاد و بویا و هم‌پیوند با پیرامون خویش، سلامت و بیماری این نهاد بیش از هرچیز وابسته به محیط و هوایی است که در آن می‌زید. تصور اینکه از محیط‌های بسته و منفعل و در مابله تگرانی و تردید اصحاب دانش علم بجوشند و بروید، مصوری دور از واقعیت است. دانشگاه در مفهوم جامع آن محصول «بحث آزاد»، «فهم آزاد» و «نقد آزاد» است. تنگ‌کردن دایره فهم و بحث و نقد به معنای گشودن فضای یاس و دل‌مردگی و روزمرگی به روی استادان و محققان و دانشجویان است.

انتقاد

یادداشت: «اقدام قابل ستایش»؛ جواد دلیری

نشست دیشب رییس‌جمهور دو ویژگی مهم داشت: «شفافیت» در بیان وضعیت کشور و نیز «امید» او به آینده اما مهم‌تر از هرچیز اتفاقی بود که کمتر در کشور رخ داده است. او به‌صراحت از مردم عثر خواست. او گفت: اگر مردم در زمینه سبک کالایی‌به زحمت افتاده‌اند من به‌عنوان رییس‌جمهوری عل‌رخواهی می‌کنم... وجدان جامعه به‌دلیل اینکه کسی شهامت اخلاقی ندارد و از مردم عل‌رخواهی نمی‌کند آزار می‌بیند البته مطمئن‌اند بعد از این سکوت، جامعه دچار بیماری فرهنگی می‌شود.اقدام دیشب رییس‌جمهور از این بابت اقدامی موثر و قابل ستایش است، اینچنین می‌توان امیدوار بود که این فرهنگ بین مسوولان و سیاستمداران ما تکرار و به یک فرهنگ تبدیل شود و دیگر کسی تقصیر مشکلی را بر گردن دیگری نیندازد. این عل‌رخواهی ستودنی است.

کیمان

تیتیر یک: «شرمن: سبک کالا با پول ما میان فقرا توزیع شد!»

وندی شرمن و دیوید کوهن باحضور در جلسه استماع سنای آمریکا، اظهارات گستاخانه‌و توهین‌آمیزی‌سایقه‌ای را دربرابر ایران و مردم کشورمان مطرح کردند. معاون وزیر امورخارجه آمریکا، ایران را به نقض حقوق بشر و آزادی‌های مذهبی متهم کرد و با حمایت از فتنه‌گران سال ۸۸ گفت: موسوی و کروبی سمسال است که بدون اتهام در بازداشت خانگی هستند و باید آزاد شوند... معاون وزیرخارجه آمریکا به موضوع توزیع سبک کالایی در ایران هم پرداخته و افزود: «شما در اخبار دیدید که ایران اخیرا به‌طور قابل مشاهده‌ای غذا برای مردم فقیر جامعه‌اش توزیع کرده تا نشان دهد کابشن هدفمند و محدود تحریم‌ها تاثیر مستقیم بر مردم این کشور داشته است. همان‌طور که روحانی قول داده بود، این پول قرار است در جهت دیگری مصرف نشود» ادعای توهین‌آمیز شرمن درباره توزیع سبد کالا در ایران با پول آمریکا در حالی است که آمریکا بیش از صدمیلیارد دلارآمد ایران را در خارج بلوکه کرده و آزادکردن کمتر از پنج درصد این سرقت بزرگ، آن هم در هشت قسط و ارتباطدادن آن با توزیع سبک کالا در ایران، چیزی جز گستاخی و شار لاتانیزم آمریکایی نیست.

پژوهش

تیتیر یک: «راهبرد تحقیر ملی پس از تعلیق»

«وندی شرمن» معاون وزیرخارجه آمریکا از روز گذشته بر گریانه تفکر و تمرکز نیروهای انقلاب فشار می‌آورد. او بیکاره به یک «نلم بدل شده؛ نامی فراتر از «ولیاها و کری» او ماموریت یافت تا تحقیر ملی ایرانیان را در «ابعاد وسیع» آغاز کند. شرمن آن مقدار از شرم را که کاخ سفید رعایت می‌کرد، بر زمین گذاشت و با سرک کشیدن در لابه‌های درونی جامعه ایران و صف‌های تدبیر سبک کالا، بر طبل رسوایی و تحقیر غرور ملی تمدن ایران کوبید. در برابر این تحقیرها حتی همان واکنش منفعلانه را از دولت محترم ندیدیم و اگرچه ظریف محترمانه پاسخ داد که «خاتم شرمن واقعیت‌ها را مرور کند» اما بار اصلی پاسخ به شرمن بر دوش مجلس افتاد که بیانیهای علیه ورود شرمن به موضوع سبد کالا صادر کرد. اگر رییس‌جمهور چندین‌بار به‌جای تحقیر و تخریب منتقدان توافق هسته‌ای، در سخنانی شفاف و محکم – یا همان محکمی تخریب منتقدان - از مردم بخواند که همراه او به عرصه مقاومت اقتصادی وارد شوند و پای این حق خود بایستند، آن‌وقت برای وندی شرمن‌ها جز آنکه در آینه حسرت به سیمای عجزوه شکست‌خورده خود بنگرند، فعل دیگری باقی نمی‌ماند.

وطن امروز

تیتیر یک: «اراجیف شرمن»

شرمن به گونه‌ای صحبت‌های خود در کنگره را بیان کرده که نشان دهد سبد کالا از منابعی که آمریکا از پول بلوکنده نفت ایران در اختیار دولت ایران گذاشته، تهیه شده است و اگر آمریکا لغو محدود تحریم‌ها و بازگرداندن بخشی از اموال و دارایی‌های ایران را اتمام نمی‌داده، امروز بسیاری از مردم ایران در فقر و نداری به سر می‌بردند. این حرف تنها یک هدف دارد و آن این است که نشان دهد فرضیه اصلی دولت اوپاما در اینکه تحریم‌ها باعث ری مردم به جت‌الاسلام روحانی، رییس‌جمهور کشورمان و از سوی دیگر توافق ایران با کشورهای غربی درباره برنامه هسته‌ای شده، درست است!

شرق: آیت‌الله مصباح‌یزدی که سال ۸۴ پیروانش را دعوت به روزه‌گرفتن به نیت پیروزی «احمدی‌نژاد» کرده بود با بیان اینکه «وقتی رییس‌جمهوری حکم ولی فقیه را دریافت کرد، اطاعت از او نیز چون اطاعت از خداست» حالا هشت‌ماه بعد از پیروزی «روحانی» او را به دروغ‌گویی متهم کرده است. رییس موسسه آموزشی – پژوهشی امام‌خمینی چهارشنبه شب در حسینیه «امام‌خمینی» قم به‌شدت از رییس دولت جدید انتقاد کرده است. او با اشاره به شرایط جاری کشور، به آیه «نَضَخْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ التَّاصِحِينَ» اشاره کرده و گفته است: «متهم می‌کنند به بی‌سوادی و کم‌فهمی و کج‌فکری و چیزهای دیگر؛ این‌ها خودشان نصیحت خدا و پیغمبر است؛ دوست نمی‌دارید کسی که شما را نصیحت کند و تردید ایجاد کند، می‌گویید انتقاد را دوست داریم و حق با مخالف است، ولی دروغ می‌گویید؛ طاقت شنیدن یک جمله گل ندارید.»به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی «جبهه پایداری» از حامیان نزدیک «مصباح‌یزدی» او خطاب به دولت جدید گفته است: «این رفاهی که به شما وعده می‌دهند دروغ است و به آن نخواهید رسید؛ اگر هم برسید به چه قیمتی؟ عزت مردم را می‌فروشید، خون‌های هزاران شهید را که در طول این سده‌هه ریخته شده به باد می‌دهید تا اینکه چند روزی چند دلاری که از پول‌های خودتان است را به شما بازگردانند؛ زهی خیال باطل!»

ما شکست خوردیم

تاکید «مصباح‌یزدی» بر انتخاب اصلاح و رد نظریه رسیدن به اتحاد برای پیروزی در انتخابات ۹۲ به حمایت او و یارانش از «اسعد جلیلی» در انتخابات منجر شد و به شکاف میان اصولگرایان دامن زد. اصولگرایان به‌ویژه حامیان «قالیباف» بر پایداری‌ها و آیت‌الله تاختند

دستیار ویژه رییس‌جمهوری خواستار شد تشکیل مجلس شایسته در انتخابات آینده

گره‌هایی اصلاح‌طلبان استان اصفهان روز پنجشنبه با عنوان «اصلاحات و دهه چهارم انقلاب اسلامی» با تقدیر از مهرس شهید‌اهمّت، و خانواده «آیت‌الله طاهری» برگزار شد. «علی یونسی» دستیار ارشد رییس‌جمهوری در این مراسم با بیان اینکه «نقاوت اساسی دو جریان و دو سیاسی در کشور عمدتا متأثر از «ایمان به مردم» است» گفت: «ما باید باور کنیم که ایمان به مردم و حرکت برای مردم در مقابله با ایمان به خداوند نیست.»او افزود: «اگر مردم احساس کنند که همگامی با آنها از سر صدق و صداقت است قطعا در صحنه حضور پیدا می‌کنند و جریانی که راستگو باشد از هیچ‌گونه فداکاری مردم محروم نخواهد ماند.»یونسی» با انتخاب عنوان «ضایعات جریان‌های سیاسی» برای گروه‌های تندرو هر دو جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب کشور، بر اصل‌پودن دو جریان اصلی کشور تاکید کرد و گفت: «اصولگرایان و اصلاح‌طلبان واقعی پیش از انقلاب اسلامی در کشور وجود داشتند و تفاوت اساسی در جریانات با یکدیگر دعوی سیاسی هم داشتند اما استخوان‌همدگر را خرد نمی‌کردند و حرمت نگه می‌داشتند.»دستیار ارشد رییس‌جمهوری خطاب به اصلاح‌طلبان حاضر در جلسه گفت: «در ۱۰ روز باقی‌مانده تا انتخابات ۲۴ خرداد ۹۲، محاسه سیاسی‌مورندظربهربرمظلمانقلاب را خلق کردید.» او با اشاره به اختلافات اصلاح‌طلبان در خرداد ۱۳۸۴ و در نتیجه شکست آنها در رقابت‌ها، یادآور شد: «در انتخابات جاری نیز اصولگرایان با هم دعوا داشتند که این اختلاف سبب شکست آنها شد.» یونسی» افزود: «هدف دکتر روحانی از آمدن به صحنه تغییر

دستیار ویژه رییس‌جمهوری خواستار شد

تشکیل مجلس شایسته در انتخابات آینده

در شرایطی بود که طی سال‌های گذشته حاکم شده بود، یونسی به دیگر اهداف این حضور اشاره کرد و گفت: «تغییر گفت‌مان‌های جنگ‌طلبی، سختگیری، مردم‌فریبی و نیز انحصارطلبی از دیگر رویکردهای دولت تدبیر و امید است.»یونسی» در ادامه با اشاره به اینکه باید در انتخابات بعدی یک مجلس شایسته تدبیر و امید را رقم زد تا این گفت‌مان برای همیشه پایدار بماند، از تمام اصولگرایان و اصلاح‌طلبان درخواست کرد هر دو جریان از تندروها دوری جسته و در درجه دوم برای یک انتخابات نفسگیر سازماندهی شوند. «محمد آقایی» که به‌عنوان نماینده اصلاح‌طلبان شهرستان‌های اصفهان را این همایش حاضر بود گفت: «رای مردم به دولت تدبیر و امید به‌دلیل برنامه‌های این دولت در زمینه آزادی بیان، آزادی بعد از بیان، آزادی مطبوعات و استفاده از مدیران لایق، آزادی زندانیان سیاسی، استفاده از نظرات کارشناسی در مسائل فرهنگی، زدودن انحصارات خاص سیاسی و اقتصادی بوده است.»آقایی با اشاره به اینکه «عده‌ای که می‌خواهند این دولت به‌جایی نرسد، افزود: «این‌ها همان‌هایی هستند که با غوغاسالاری مانع تحقق و اجرای برنامه‌های دولت می‌شوند و به قول مرحوم حبیبی – معاون اول دولت اصلاحات- با جوسازی فرصتی برای دولت نمی‌گذارند تا به مشکلات مردم رسیدگی شود و تلاش آنها این است تا مردم را از تحقق خواسته‌های خود مایوس و دولت را از عقبه حمایت‌های مردمی جدا و زمینگیر کنند.»

سیاست

انتقاد تند مصباح‌یزدی از رییس‌جمهوری



از سویی حمایت‌های بی‌دریغ آیت‌الله‌از «احمدی‌نژاد» که او را «آخریه خداوند برای امروز» دانسته بود، عامل دیگری بود تا بیش سیاسی او در میان اصولگرایان با پرسش جدی مواجه شود. نامه جمعی از دانشجویان دانشگاه امام‌صادق(ع) و برخی طلاب در یکی، دوسال گذشته خطاب به او موبد همین مطلب است. جمعی از طلاب حوزه علمیه قم اردیبهشت ۹۲ در نامه‌ای سرگشاده خطاب به «مصباح‌یزدی» با اشاره به اینکه او زمانی زمینه انتخاب احمدی‌نژاد را مشحون به کرامات و معجزات دانسته بود، نوشتند: «شما را از سرمایه‌های حوزه می‌دانیم بنابراین پیشنهاد خضاعتن ما آن است که حضرت استاد نقش معنوی و پدری را در جامعه ایفا نمایید و خود را از جناح‌بندی‌های سیاسی و عضویت در جبهه نوظهور پایداری و تنزل در حد آدم‌های احساسی سرکار بیاید.»

سیدحسن خمینی در دیدار با مسوولان دانشگاه آزاد:

ادبیات نقد نباید جامعه را چندپاره کند

جماران: حجت‌الاسلام‌والمسلمین «سیدحسن خمینی» در دیدار با رییس و مسوولان دانشگاه آزاد اسلامی، با بیان اینکه پیگیری وحدت حوزه و دانشگاه نگاه دیگری می‌طلبد، تصریح کرد: «آن فضایی که قبل از انقلاب به نام روشنفکری دینی با حضور افرادی چون استاد مطهری و دکتر شریعتی... شکل گرفت، حاصل گره‌زدن این‌دو نهاد با هم بود که بعد از انقلاب اثر پررنگی در مسیر انقلاب گذاشت.» سیدحسن خمینی یادآور شد: «این دو بخش به‌عنوان علمی که الگو و نهاد مرجع در جامعه بودند، پذیرفته شده بودند، اما آرام‌آرام خاستگاهشان هم از یکدیگر جدا شد و چون استاد مطهری و نقار ایجاد شود اتحادشان می‌شکند. تعبیر لطیفی در قرآن وجود دارد که می‌فرماید «فافصح الصغ الجعیمیل» عفو یا صفح نیست؛ بلکه آموزه همیشگی ماست و یکی از عوامل وحدت‌آفرین در جامعه، «گذشت» است؛ در هونفزی که باهم زندگی می‌کنند اگر قرار باشد از کوچک‌ترین دلخوری میان آنها، شکاف و تقار ایجاد شود اتحادشان می‌شکند. تعبیر لطیفی در قرآن وجود دارد که می‌فرماید «فافصح الصغ الجعیمیل» عفو یا صفح متفاوت است. صفح به‌معنای چشم‌پوشی‌کردن و ندیدن برخی امور است. گاهی اوقات ما عفو می‌کنیم و این به آن معناست که می‌گوییم من می‌دانم تو خطا کردی، اما عفویت ابرار حاصل شد و عوامل شکاف آن کنامند» گفت: «شرط پیروزی انقلاب وحدت است و شرط بقای آن هم وحدت میان اقوام، احاد مردم، مذاهب و حوزه- دانشگاه است. اگر کسی دلش به حال مملکت می‌سوزد باید مراقب باشد تا این وحدت نسوزد، اما اگر کسی به‌ظاهر دلسوز است، اما در جهت پاره‌پاره‌کردن جامعه قدم بر‌دارد خواسته یا ناخواسته ریشه‌های جامعه را می‌خشکاند. همه باید کنار هم باشند و اگر یک ملت با هم جمع شدند توانایی کارهای بسیار بزرگی را دارند.»سیدحسن

آن، پخش زنده «گفت‌وگوهای هدایت‌شده» نظیر دوره احمدی‌نژاد باشد؛ گفت‌وگوهایی که اگر زمینه‌پذیرش مردمی داشت، حداقل، محبوبیت ملی احمدی‌نژاد و پیروزی انتخاباتی اصولگرایان را در پی می‌آورد که نیاورد و از قضا، فاقد تریبون‌ها در رسانه ملی و حذف‌شدگان توسط «جام‌جم» را با رای ملت، روانه «پاستور» کرد. بنابراین؛ سیاست رسانه‌ای دولت، نیاز میرمی به «بازنگری» دارد. اگر بناسنت گفت‌وگویی‌از رییس‌جمهور، روی «آنتن» رود، زبینه‌د است پرسش و پاسخ‌ها چالشی و از جنسی باشد که حلاوت پخش آن برای مدت طولانی در پیاد مخاطبان بماند. پخش چنین گفت‌وگوهایی با حضور مجریانی که اگر بخشی از «دکور» برنامه نباشند، فقط سوال کلیشه‌ای می‌خوانند، تمامی سخنان رییس‌جمهور را با کلام و سر تایید می‌کنند و هیچ نکته مبهم یا قابل انتقادی در لایلای سخنان روحانی نمی‌یابند، جذاب نیست؛ گفت‌وگوی تاثیرگذار نیازمند حضور مجری و کارشناس یا کارشناسان منتقد حامی و در حالت «ایده‌ال» محتاج پرسشگری رقبای سیاسی واقع‌گراست. وگرنه، گفت‌وگوهای خنثایی، در معرض قساوت مخاطبان قرار خواهد گرفت که ماهیت «ضدتبلیغ» خواهد یافت. در این نگاه، «انتخاب شخص مجری»، زیر سایه « ارزیابی توان حرفه‌ای مجری» را جایگزین شیوه‌های منسوخ پیشین کند.

تیم رسانه‌ای دولت باید بر دغدغه «ضرب ریسک بالای» اینگونه اقدامات فایق آیند و فراموش نکنند؛ رمز سبقت انتخاباتی روحانی، حضور موفقیت‌آمیزش در گفت‌وگوهای چالشی و مناظره تلویزیونی با رقبا بود و اکنون نیز از نامزدی که با شعار «تدبیر» پیروز انتخابات شد، انتظار می‌رود تجلی عینی این شعار را در همه عرصه‌ها و از جمله، حوزه حیاتی «رسانه» و نحوه «باسخوبی دولت» به نمایش گذارد و روش‌های نوین را جایگزین شیوه‌های منسوخ پیشین کند.

و افراطی قرار ندهید.» یک‌مسال قبل از آن هم نامه‌ای جنجالی متناسب به دانشجویان دانشگاه امام‌صادق(ع) خطاب به آیت‌الله مصباح‌یزدی، رسانه‌ای شده بود.

تو که تخصص نداری چرا حرف می‌زنی

دانشجویان در این نامه ضمن ابراز نگرانی از ایجاد شکاف میان نیروهای انقلاب انتقادات صریحی را نسبت به مشی و مرام اعضای جبهه پایداری مطرح و نسبت به خطر حرکت این گروه در مسیر جریان انحرافی اعلام نگرانی کرده بودند. در این نامه آمده بود: «چرا جبهه پایداری که بعضا در جلسات خصوصی برای شما جایگاه قائم‌مقامی رهبری قایل می‌شوند و شما را رهبر معنوی خود می‌دانند و خود را مطیع محض شما می‌شمارند، دست در دست‌ انضامی این گروه انحرافی دارند و یکی‌شان جلسات نظامی با سر کرده این گروه دارد و دیگری مشاور این گروه است و به جای آنها پروژه افتتاح می‌کند و آن یکی در جلسه سوال از رییس‌جمهوری از جواب‌های کم‌دانه او قهقهه مستانه می‌زند و تا تذکرات نمایندگان می‌آشوبد؟» ادامه سخنان چهارشنبه مصباح گویا پاسخی بود به این انتقادات. زمانی که گفت: «امروز به روحانیت می‌گویند تو که تخصص نداری در مسائل اقتصادی و سیاسی چرا حرف می‌زنی؟ برو دنبال درس حوزه.» نماینده مجلس خبرگان رهبری با بیان اینکه در طول تاریخ همواره روحانیون را به بی‌سوادی، کم‌فهمی و کج‌فهمی متهم می‌کردند، گفته است: «شاه هم می‌گفت این آخوندها یک دم‌کنی روی سرشان گذاشته‌اند و نمی‌فهمند سیاست یعنی چه و ما چه نیایی داریم.» مصباح‌یزدی در انتها اضافه کرده است: «آنهايي که قسّي القلب هستند مي‌گویند شما را چه کار به این کارها؟ شما را چه به اقتصاد و سیاست؟ بی‌سوادها،»

بزنیم مسوولان استان‌های شمالی؛ اصلا انتظار حجم بالای بارش برف را داشتید؟ حالا که به چوپان‌های زیرک، دسترسی ندارید، این همه لوازم هوشناسی که دارید؟ دقت در گزارش‌های هوشناسی نشان می‌داد که استانداری‌ها و شهرداری‌ها باید گوش به زنگ می‌ماندند. وسایل و تجهیزات خاک‌گرفته برف‌روبی را از انبارها در می‌آوردیم. شن و نمک می‌پاشیدید و از استان‌های همجوار کمک می‌گرفتید نه آنکه مثل سال ۸۳ بخوابید تا صبح و با حجم بزرگ فاجعه مواجه شوید. تجربه برف و بن‌بستی که ۹ سال پیش در رشت رخ داد، نباید از حافظه مدیریت شهری آن منطقه برود. خیلی‌ها در آن استان‌ها می‌داندند برفی که از عصر و شب آغاز شود، تا صبح دامن گیر خواهد شد، همانطور که اسمال شد. حالا خوب‌تر این سال‌ها با وسایل برف‌روبی هم به بخش خصوصی اجاره داده شده و در این موارد باید منتظر اقدام پیمانکاران ماند. حکایت اما فقط باریدن برف نیست، حکایت مدیریت کاهلی است که تا چنین، با اعضای مدیریت بحرانش از این سو و آن سو، فرا بخواند و بنشینند، شور کنند و نامتگذاری کنند و بوجه بخوانند و بگیرند... شب شده، برف تمام راه‌ها را بسته و مردم برای خرید نان و خوراکنان مشکل پیدا می‌کنند. برق قطع شده و آب هم، با همان برق رفته به قعر لوله‌ها، گاز به‌عنوان انرژی مرکزی خانه‌ها قطع می‌شود و مردم مستاصل می‌شوند. بماند که هنوز در استان گیلان روستاهایی سراغ دارم که با فاصله ۱۰ تا ۱۵ کیلومتری از شهر، هنوز نفت، سوخت بخاری‌ها و اجاق‌هایشان هست. همان روستاهایی که تک‌تک ما در فصول خوش آب‌وهوا تمایل داریم، آلونکی برای خلوتمان در آن داشته باشیم. همان روزهای اول بارش برف از بین اظهارنظرهای مدیران آن منطقه -که خبر دارم روستاهایش در برف مانده‌اند- مقامی گفته بود: «تمام شاهراه‌های اصلی باز است و مشکل خاصی وجود ندارد.» این سخن مقام مسوولی است که دست‌کم ۲۰ روستای زیربرف‌مانده در حوزه مسوولیتش وجود دارد و همه ساکنانش در خانه‌هایشان محبوس شده‌اند و سقف انبار‌ها یا خانه‌هایشان شکسته و به باغ‌هایشان خسارت فراوانی وارد آمده است.

مردمی که اتفاقا قابل نادیده‌گرفتن در استانی مانند گیلان و مازندران نیستند؛ چون آذوقه مردم شهرنشین را فراهم می‌کنند. برنج، مرغ، مکربات و سبزیجات شهرنشین‌ها از همان روستاهایی می‌آید که این‌روزها در خانه‌هایشان محبوس بوده‌اند. حالا چگونه می‌توان گفت که مشکلی وجود ندارد. در استانی که روستاهایش، رگ حیاتیش شهرها هستند، خنده‌دار است که با بازکردن در اصلی بین شهری بگویند مشکلی نیست. مشکلی و مشکلاتی هست که هر بار، برف شدید می‌یارد به بحران تبدیل می‌شود و باران شدید به سیل بدل می‌شود. مشکل و مشکلاتی هست که بلایای طبیعی هر از چندگاهی در بخشی از سرزمین ما، زندگی را به کام کسانی تلخ می‌کند.

این کتاب بعد از کتاب «آقای رییس‌جمهور» میکِل آنجل آستورایس، دومین کتابی است که با ادبیات رئالیسم جادویی به فارسی ترجمه می‌شد. کتاب آستورایس حدودا سال ۴۸ یا ۴۹ منتشر شد، اما ترجمه صدسال تنهایی در سال ۱۳۵۳ توسط بهمن فرزانه نقطه‌عطفی در معرفی این گونه ادبی به فارسی بود که ترجمه سلیس و روان و امانتدانه‌او این لشکار را به یک کتاب ماندگار تبدیل کرد.

نگاه چوپان‌های آسمان رمه‌های زمستان

زینب اسماعیلی

● چوپان‌ها برای خودشان، یک با هواسنانس هستند، پیش از راهی کردن گله به دشت یا به کوه، انگشت اشاره‌شان را خیس می‌کنند و جلوی صورتشان می‌گیرند تا بفهمند باد از کدام‌سو می‌وزد؛ از آن سمت که آفتاب طلوع می‌کند، یا از آن سو که خورشید، آسمان را به خون کشیده؛ باد غربی، یعنی باران می‌گیرد و جهت باد شرقی، یعنی ابر‌ها از هم دور می‌شوند و هوا صاف می‌شود. برای یک شمالی که نیم بیشتری از زندگی‌اش، زیر آسمان خداست، وضعیت هوا، همیشه مهم است. یک فصل، به‌خاطر کاشت برنج، فصل دیگر برای برداشت، یک‌روز برای خشک‌کردن جای و روز دیگر برای ییلاق و قشلاق دام. آنها با طبیعت زندگی نزدیکی دارند و رد این را در سبک‌زندگی و حتی معماری آن منطقه می‌توان دید. این روزها همین استان‌های شمالی در یک برف زمستانی، مانده‌اند؛ بهمن‌ماه است و به‌قول شمالی‌ها: «چله کوچک» که در همه افسانه‌ها و قصه‌های کودکانی که در آن فرهنگ بزرگ شده‌اند، همیشه حی و حاضر است. چله کوچک می‌گوید «حیف که وقتم کوتاه است، اگر بیشتر وقت داشتم نوزاد را تو می‌گهواره خفه می‌کردم.» چون چله کوچک، ۲۰روز بیشتر نیست. پس، اتفاق عجیب و غریبی رخ نداده، مگر آنکه حجم برف، بیش از آنچه بوده که احتمالا انتظارش را داشتیم. اما بیایید با هم صادقانه حرف بزنیم. مسوولان استان‌های شمالی؛ اصلا انتظار حجم بالای بارش برف را داشتید؟ حالا که به چوپان‌های زیرک، دسترسی ندارید، این همه لوازم هوشناسی که دارید؟ دقت در گزارش‌های هوشناسی نشان می‌داد که استانداری‌ها و شهرداری‌ها باید گوش به زنگ می‌ماندند. وسایل و تجهیزات خاک‌گرفته برف‌روبی را از انبارها در می‌آوردیم. شن و نمک می‌پاشیدید و از استان‌های همجوار کمک می‌گرفتید نه آنکه مثل سال ۸۳ بخوابید تا صبح و با حجم بزرگ فاجعه مواجه شوید. تجربه برف و بن‌بستی که ۹ سال پیش در رشت رخ داد، نباید از حافظه مدیریت شهری آن منطقه برود. خیلی‌ها در آن استان‌ها می‌داندند برفی که از عصر و شب آغاز شود، تا صبح دامن گیر خواهد شد، همانطور که اسمال شد. حالا خوب‌تر این سال‌ها با وسایل برف‌روبی هم به بخش خصوصی اجاره داده شده و در این موارد باید منتظر اقدام پیمانکاران ماند. حکایت اما فقط باریدن برف نیست، حکایت مدیریت کاهلی است که تا چنین، با اعضای مدیریت بحرانش از این سو و آن سو، فرا بخواند و بنشینند، شور کنند و نامتگذاری کنند و بوجه بخوانند و بگیرند... شب شده، برف تمام راه‌ها را بسته و مردم برای خرید نان و خوراکنان مشکل پیدا می‌کنند. برق قطع شده و آب هم، با همان برق رفته به قعر لوله‌ها، گاز به‌عنوان انرژی مرکزی خانه‌ها قطع می‌شود و مردم مستاصل می‌شوند. بماند که هنوز در استان گیلان روستاهایی سراغ دارم که با فاصله ۱۰ تا ۱۵ کیلومتری از شهر، هنوز نفت، سوخت بخاری‌ها و اجاق‌هایشان هست. همان روستاهایی که تک‌تک ما در فصول خوش آب‌وهوا تمایل داریم، آلونکی برای خلوتمان در آن داشته باشیم. همان روزهای اول بارش برف از بین اظهارنظرهای مدیران آن منطقه -که خبر دارم روستاهایش در برف مانده‌اند- مقامی گفته بود: «تمام شاهراه‌های اصلی باز است و مشکل خاصی وجود ندارد.» این سخن مقام مسوولی است که دست‌کم ۲۰ روستای زیربرف‌مانده در حوزه مسوولیتش وجود دارد و همه ساکنانش در خانه‌هایشان محبوس شده‌اند و سقف انبار‌ها یا خانه‌هایشان شکسته و به باغ‌هایشان خسارت فراوانی وارد آمده است.

مردمی که اتفاقا قابل نادیده‌گرفتن در استانی مانند گیلان و مازندران نیستند؛ چون آذوقه مردم شهرنشین را فراهم می‌کنند. برنج، مرغ، مکربات و سبزیجات شهرنشین‌ها از همان روستاهایی می‌آید که این‌روزها در خانه‌هایشان محبوس بوده‌اند. حالا چگونه می‌توان گفت که مشکلی وجود ندارد. در استانی که روستاهایش، رگ حیاتیش شهرها هستند، خنده‌دار است که با بازکردن در اصلی بین شهری بگویند مشکلی نیست. مشکلی و مشکلاتی هست که هر بار، برف شدید می‌یارد به بحران تبدیل می‌شود و باران شدید به سیل بدل می‌شود. مشکل و مشکلاتی هست که بلایای طبیعی هر از چندگاهی در بخشی از سرزمین ما، زندگی را به کام کسانی تلخ می‌کند.

ترجمه‌های ماندگار آن مرد فرزانه

این کتاب بعد از کتاب «آقای رییس‌جمهور» میکِل آنجل آستورایس، دومین کتابی است که با ادبیات رئالیسم جادویی به فارسی ترجمه می‌شد. کتاب آستورایس حدودا سال ۴۸ یا ۴۹ منتشر شد، اما ترجمه صدسال تنهایی در سال ۱۳۵۳ توسط بهمن فرزانه نقطه‌عطفی در معرفی این گونه ادبی به فارسی بود که ترجمه سلیس و روان و امانتدانه‌او این لشکار را به یک کتاب ماندگار تبدیل کرد.